

روز قیامت

روز قیامت

سه‌شنبه ۸ آبان ۱۴۰۳
شماره ۴۲۶۵

<div><div></div><div>FARHIKHTEGANDAILY.COM</div></div>
<div><div></div><div>FARHIKHTEGANONLINE</div></div>

روز قیامت

روز قیامت

روز قیامت

روز قیامت

روز قیامت

روز قیامت

روز قیامت

واکنش های اجتماعی به حمله شنبه مورد انتظار صهیونیست ها نبود

اشتباه محاسباتی اول؛ نشناختن مردم



ایرانی مشاهده می‌شود نیز حکایت از شکست این پروژه دارد. امری که نشان می‌دهد، صهیونیست‌ها جدای از حمله به مرزهای ایران، در برخورد با افکار عمومی داخل ایران نیز دچار اشتباه محاسباتی شدند.

پروژه آشوب در شرق کشور هم شکست خورد

یکی از پروژه‌های صهیونیست‌ها برای به راه انداختن آشوب داخلی در ایران، تمرکز بر تقویت گسل‌های قومی و اجتماعی در شرق کشور است. نقطه اوج دامن زدن به گسل‌ها را می‌توان در اتفاقات ۱۴۰۱ مشاهده کرد، بروز اتفاقاتی مثل حمله به مراکز انتظامی در سیستان و بلوچستان و حملات تروریستی گاه و بی‌گاهی که توسط نیروهای وابسته به صهیونیست‌ها در این مناطق علیه نیروهای پلیس یا امامین جمعه اتفاق می‌افتد، مؤید این گزاره است که تمرکز اصلی صهیونیست‌ها در این مناطق با توجه به مصادیق قابل ذکر مثل قومیت و مذهب همواره محل تمرکز آن‌ها بوده است. نکته دیگر آنکه ناامن‌سازی و بروز آشوب در شهرهای مرزی، آسیب‌پذیری کشور را بیشتر می‌کند. اما نکته جالب توجه در این راستا این است که بعد از حمله جمعه‌شب صهیونیست‌ها، مولوی عبدالحمید، امام جمعه زاهدان که پیش از این اظهارات رادیکالی مطرح کرده بود و در برخی اظهارات خود از ایده دو دولتی در سرزمین‌های اشغالی حمایت کرده بود، حمله صهیونیست‌ها را محکوم کرد. امری که نشان می‌داد تصور صهیونیست‌ها از جامعه ایرانی در مواجهه با بحران دور از واقعیت است و جامعه ایرانی در مواجهه با صهیونیست‌ها و تهدیدت‌تمامیت ارضی، با نظام حکمرانی در مسیری متعارض قرار ندارد.

بازی ازپیش‌باخته صهیونیست‌ها

اینترنشنال همان پروژه تکراری اتفاقات ۱۴۰۱ را دنبال می‌کند، البته در مقایسه با آنچه در جریان اتفاقات ۱۴۰۱ انجام دادند، زد پای تقلیل مواضع رادیکال را می‌شود در اظهارات آنها دید. نکته جالب توجه این است که در جریان اتفاقات پاییز آن سال اتوپوس‌ها، بانک‌ها و مراکز عمومی مساوی و مبارزه با نظام جمهوری اسلامی بود و حداقل حالا این ادعاها وجود ندارد و در عوض حالا به صراحت حمله به مواضع نظامی ایران مصداق مقابله با نظام حکمرانی تلقی می‌شود. تصویری که البته باهم موفق به ایجاد شکاف میان مردم و حکمرانی نمی‌شود. در جریان شهادت نیروهای ارتش می‌توان به وضوح این گزاره را مشاهده کرد که مردم فاصله‌ای میان خود و نیروهایی که در این حمله شهید شدند، قائل نیستند و مردم این شهدا را از خود می‌بینند، حتی یکی از نویسنده‌های منتقد نظام حکمرانی به این موضوع اشاره کرد که ما در عکس شهادی ارتش تصویر خود مردم را می‌بینیم، حتی تصویری که از خانه‌های شهدا منتشر می‌شد نشان می‌داد فاصله‌ای میان آنها و مردم وجود ندارد و تصویرسازی رسانه‌های فارسی‌زبان از پیش باخته است و چندان مورد توجه مردم قرار نمی‌گیرد و این نشان می‌دهد اینترنشنال در زمین باخته بازی می‌کند.

با شدت عملیات وعده صادق ۲ برابری کند، اما در به راه انداختن جنگ روانی علیه مردم ایران نیز چندان موفق عمل نکرد. صهیونیست‌ها در حالی ادعا کردند که مواضع نظامی را هدف قرار دادند و جنگی هم با مردم ایران ندارند؛ اما برمیانی آنچه تا الان منتشر شده این حمله ۵ شهید داشت که یکی از آن‌ها اصلاً نظامی نبوده و تنها نگهبان یک کارخانه بوده است. انتشار اسامی این شهدا فضای عمومی جامعه را به کلی متأثر کرد و آن‌ها را به واکنش واداشت. نکته‌ای که به‌نظر می‌رسد، صهیونیست‌ها از آن غافل بودند این بود که ایرانیانی در حمله صهیونیست‌ها به شهادت رسیدند، که در ارتش خدمت می‌کردند و روایت‌هایی که از آن‌ها منتشر می‌شد نیز فضای عمومی جامعه را متأثر کرد. حالا در این فضا ادعای اینکه جنگ صهیونیست‌ها با مردم نیست، اساساً محلی از اعراب ندارد.

جامعه ایرانی دریکپارچه‌ترین وضعیت خود قرار دارد

روز گذشته پیکر شهدای حمله صهیونیست‌ها در شهرهای مختلف ایران تشییع شد. پیکر شهدا در کرمانشاه، خوزستان و لرستان با حضور پرزنگ مردم تشییع شد. نگاهی به واکنش افکار عمومی نیز نشان می‌دهد، برخلاف برنامه‌ریزی صهیونیست‌ها، شهادت نیروهای ارتشی با واکنش همه طیف‌های گروه‌ها و جامعه همراه شد. هنرمندان و بازیگران که عموماً رسانه‌های فارسی‌زبان تلاش دارند تا فاصله‌ای میان آن‌ها با نظام حکمرانی تعریف کنند و آن‌ها را قشری بخوانند که منتقدان جدی حکومتند که نقطه اوج آن در اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ از جانب آن‌ها دنبال شد، بعد از حمله صهیونیست‌ها، واکنشی یکپارچه به این حمله و همچنین نسبت به شهادت نیروهای ارتش نشان دادند. تصویر و نتیجه مشخص بود، جامعه ایرانی یکپارچه نسبت به شهادت هموطنانش متأثر شد. در میان اقشار مختلف ایران می‌شد این تصویر را به وضوح مشاهده کرد که هیچ احساس رضایتی نسبت به تعرض به خاک ایران وجود ندارد. تصور صهیونیست‌ها این بود که بعد از این حمله با القای اینکه ایران مقصر به راه انداختن یک جنگ در منطقه بوده، آن هم در حالی که معیشت مردم به لحاظ اقتصادی دچار مشکل است، جامعه ایرانی را در پرتگاه آشوب داخلی قرار دهد. اما برخلاف تصور صهیونیست‌ها، حمله صهیونیست‌ها و شهادت نیروهای ارتشی اتفاقاً جامعه ایرانی را در مقابل این اتفاق یکدست‌تر کرده و شکاف‌های اجتماعی را در پایین‌ترین حد خود قرار داد. این تقریباً کنشی است که جامعه ایرانی در تمام بحران‌ها از خود نشان داده است، زمانی که پای یک تهدید خارجی در میان باشد، مردم ایران در متحدترین شکل خود قرار می‌گیرند. در میانه ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ نیز زمانی که غبار آشوب خوابیده و جامعه ایرانی متوجه این امر شد که بخش زیادی از ماجرا با طرح‌ریزی یک دشمن خارجی صورت می‌گیرد، فاصله‌گذاری مشخصی با آن‌ها ایجاد کرد و همین امر هم منجر به شکست پروژه آشوب ۱۴۰۱ شد. حالا اما جامعه ایرانی با گذر از اتفاقات ۱۴۰۱، دیگر بخش زیادی از این پروژه را درک کرده و حداقل ناآگاهانه در دام آن نمی‌افتد و آنچه در حال حاضر در جامعه

هدف اصلی خود یعنی همان تضعیف ایران را محقق کنند. به همین منظور نیز رسانه‌های فارسی‌زبان با خط خبری صهیونیست‌ها این مسیر را پیش گرفتند که مردم ایران اتفاقاً موافق حمله صهیونیست‌ها با هدف حمله به مواضع نظامی ایرانند و در نقطه مقابل هم مقامات صهیونیستی مدام این گزاره را تکرار می‌کنند که اسرائیل جنگی با مردم ایران ندارد. این ادعاها در راستای سفیدشویی اقدامات آن‌ها و با هدف جلب اعتماد مردم ایران انجام می‌شد. القای این گزاره که ایرانیان موضوعی مخالف با حکومت ایران دارند، قدمتی چندین‌ساله در پروژه صهیونیست‌ها علیه مردم ایران دارند. در این مسیر آنچه رسانه‌های فارسی‌زبان انجام می‌دهند، تنها شکل کاری است که صهیونیست‌ها علیه مردم ایران تعریف کردند. در این راستا به‌این‌بان ساکن ایران نقش مهمی در عادی‌سازی روابط دارند، اما نقطه اوج این اقدام را می‌توان در آنچه که در پاییز ۱۴۰۱ رخ داد، مشاهده کرد.

هدف گرفتن نقطه قوت ایران

ابعاد این پروژه بعد از حمله جمعه‌شب صهیونیست‌ها، بیشتر روشن شد. صهیونیست‌ها با ادعای اینکه تنها مواضع نظامی در ایران را مورد حمله قرار دادند به دنبال اثبات این ادعای خود بودند که با مردم ایران نزاعی ندارند و جنگ آن‌ها با جمهوری اسلامی است تا گام بعدی ایجاد نارضایتی میان مردم و نظام حکمرانی با هدف ایجاد آشوب در داخل باشد. بعد از این حمله رسانه‌های فارسی زبان در حال القای این گزاره‌اند که افکار عمومی داخل ایران، با حمله صهیونیست‌ها به مواضع نظامی ایران مشکلی ندارند و اتفاقاً موافق آنند و در سمت دیگر هم بخشی از افکار عمومی اساساً مخالف حمایت ایران از محور مقاومتند. آنچه آن‌ها از انجام این پروژه دنبال می‌کنند، مقصرنمایی نظام حکمرانی در حمله‌ای بود که جمعه‌شب انجام دادند، امری که خروجی آن، نارضایتی عمومی از نظام حکمرانی و تشدید شکاف داخلی را به همراه دارد. در این مسیر البته تقویت همه شکاف‌ها و گسل‌های موجود در جامعه ایرانی هم مورد توجه قرار گرفته، اما گسل اصلی یعنی تقویت شکاف میان مردم و نظام حکمرانی پروژه اصلی است. روشن است که چیزی که توان یک نظام حکمرانی را تقویت می‌کند و آن را در مقابل حمله دشمن مقاوم می‌کند، همراهی مردم جامعه با نظام حکمرانی است و بروز شکاف و آشوب داخلی در میانه یک بحران توان آن را برای مقابله با تهدیدات خارجی کم می‌کند، چیزی که صهیونیست‌ها در طول یک‌سال گذشته تلخی آن را چشیدند. علاوه بر این ایران بارها اثبات کرده که با همراهی مردم خود توان برای مقابله با همه تهدیدات خارجی را دارد و صهیونیست‌ها نیز به همین منظور شکاف میان دو قشر جامعه را اصل قرار دادند.

دم‌خروس صهیونیست‌ها با حمله ۵ آبان بیرون زد

در حمله جمعه‌شب صهیونیست‌ها اما جدای از اینکه، نتیجه عملیات آن‌طور که باید برای صهیونیست‌ها بازدارندگی به همراه نداشت و نتوانست

فرمول تغییر محاسبه صهیونیست‌ها

در راه فراروی نظام ترسیم شده است؛ یکی آن‌که عملیات ضعیف و کم‌رتمق دشمن را به حساب تقلاي رژیم برای حفظ آبرو با کاکرد «مصرف داخلی» و اعاده حیثیت نانیها بعد از عملیات «وعده صادق ۲» نزد افکار عمومی شهرك نشینان صهیونیست گذاشته و به این اعتبار که در این هجمه خسارت قابل‌توجهی متوجه ما نشده طبق معمول یک سال گذشته نسخه «خوبیشتن داری» تجویز کرده و بر آنند که ما هم بر آن چشم بسته و قید پاسخ را بنزیم تا به‌زعم ایشان به «تشدید تنش‌ها» دامن‌زنیم و در «تله جنگ» صهیونیست‌ها نفیقیم و امیدوار باشیم کفتاران کودکش نیز به همین اقدام بسته کرده و سرخوش از یک برد تصنعی و کاذب چه بساتن به آتش بس دهند و به این ترتیب «عدم پاسخ ایران» آغازی باشد بر پایان یک‌سال کشتار وحشیانه رژیم اشغالگر در غزه و لبنان و برچیده شدن سایه سیاه جنگ از غرب آسیا!

تحلیل دوم اما نه ناظر به میزان خسارات وارده، که ناظر به «اصل تجاوز» و گستاخی رژیم صهیونیستی در نقض حریم هوایی و حمله به برخی مناطق کشور ازجمله پایتخت و قاطعانه بر این باور است که از آنجا که در عملیات

بامداد شنبه برخلاف حمله به کنسول‌گری ایران در دمشق و حتی ترور شهید هنیه در تهران، رژیم گستاخانه به حریم هوایی و پایتخت کشورمان

تعرض کرده و برای نخستین‌بار صریحاً مسئولیت آن را به عهده گرفته و به

خود جرئت عبور از خط قرمزهای جمهوری اسلامی را داده است، به‌مراتب

بیش از دو واقعه پیشین ضرورت و اقتضا پاسخ دارد.

این فارغ از آن است که بررسی الگوهای رفتاری اسرائیل در طول زمان نیز

ثابت کرده هرگاه در برابر‌گردن‌کشی و گستاخی این رژیم افعال یا حتی

زهرا طیبی

خبرنگار گروه شد روز

میزانسنن را به‌زعمشان دقیق چیده بودند؛ حمله به مواضع نظامی ایران، علاوه بر ترسیم بازدارندگی از دست رفته صهیونیست‌ها، قرار بود بارز جنگ‌روانی صهیونیست‌ها را تکمیل کند. این حمله قرار بود ادعای اینکه جنگ ما با مردم ایران نیست و جنگ اصلی با نظام جمهوری اسلامی است را اثبات کند. در حمله تنها به مواضع نظامی ایران حمله شده و مراکز غیرنظامی هدف قرار نگرفته است. حالا قرار بود فرصت مناسبی برای به راه انداختن یک آشوب داخلی شبیه به پاییز ۱۴۰۱ فراهم شود تا شکاف میان جامعه و نظام حکمرانی به بالاترین حد خود برسد و جامعه در آستانه یک فروپاشی اجتماعی قرار گیرد. محاسبات صهیونیست‌ها اما در مورد افکار عمومی مردم ایران غلط از آب درآمد. برخلاف آنچه تصور می‌کردند، جامعه نسبت به شهادت نیروهای ارتشی برانگیخته شد؛ متأثر شدن جامعه، یکپارچگی و یک‌صدایی را در مواجهه با حمله صهیونیست‌ها به وجود آورد و برخلاف تصور صهیونیست‌ها، جامعه و نظام حکمرانی را از یکدیگر جدا نکرد، امری که نشان می‌داد صهیونیست‌ها نه‌تنها در راهبرد جنگی خود دچار اشتباه محاسباتی شدند، بلکه حتی فضای افکار عمومی داخل ایران را بیش از گذشته علیه خود متحد کردند.

حربه تکراری صهیونیستی؛ ما با مردم جنگ نداریم

«جنگ اسرائیل با مردم ایران نیست، جنگ ما با جمهوری اسلامی است،» این جمله را نتانیا‌هو و مقامات صهیونیستی بارها در طول یک‌سال گذشته و اخیراً با شدت بیشتری مطرح کردند. درست یک‌سال پیش و با شروع جنگ غزه، زمانی که بمباران مناطق مسکونی و بیمارستان‌ها در نوار غزه به دست صهیونیست‌ها شروع شد، همین جمله نیز در مورد حماس مطرح می‌شد، «جنگ ما با مردم غزه نیست و جنگ ما با نیروهای نظامی حماس است.» مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها، مدارس هم با این ادعا که زیر این خانه‌ها تونل‌های حماس قرار دارد، هدف قرار می‌گرفتند. صهیونیست‌ها همین فرمان را در حمله به لبنان و بمباران مناطق مسکونی در بیروت و ضاحیه در پیش گرفتند، تکرار چندبار این جمله که ما با مردم لبنان جنگ نداریم و هدف ما نابودی حزب‌الله است در حالی اتفاق می‌افتاد که مناطق مسکونی با هدف ترور مقامات حزب‌الله در بیروت بمباران می‌شد. آن‌ها اما از تکرار این ادعا چند هدف را دنبال می‌کردند؛ ۱. طبیعی است که صهیونیست‌ها در موضع اعلامی زیربار حمله و کشتار کودکان و غیرنظامیان نروند، اگرچه نمی‌شد واقعیت آنچه در جنگ اتفاق افتاده را انکار کنند؛ اما صهیونیست‌ها تلاش می‌کنند با بیان اینکه جنگ آن‌ها با غیرنظامیان نیست، کمی از فشارهای بین‌المللی را علیه خود کم کرده یا حداقل ادعا کنند که برای مقابله با حماس و حزب‌الله چاره‌ای جز هدف قرار دادن مناطق غیرنظامی ندارند. ۲. ادعای این موضوع این مشروعیت را برای آن‌ها به وجود می‌آورد که بار دیگر این حملات را تکرار کنند بدون اینکه کمترین تبعاتی برای آن‌ها به همراه داشته باشد. ۳. بخش قابل توجهی از این ادعا اما با هدف به راه انداختن جنگ روانی علیه گروه‌های مقاومت انجام می‌شد، صهیونیست‌ها در فضا‌سازی رسانه‌ای تلاش می‌کردند این طور القا کنند که حماس از مردم عادی به عنوان پوشش استفاده می‌کند و با همین ادعا نیز بیمارستان‌ها و مدارس را مورد هدف قرار می‌دادند. این ادعا علاوه بر اینکه در راستای افزایش فشارهای بین‌المللی روی این گروه‌های مقاومت بوده بلکه با هدف تخریب چهره آن‌ها نیز انجام می‌شد و همچنین به منظور ایجاد شکاف میان مردم با مقاومت هم صورت می‌گرفت. کشتار گسترده در نوار غزه با این هدف انجام می‌شد که افکار عمومی غزه، حماس را مقصر شروع جنگ بدانند، محبوبیت آن‌ها کاهش پیدا کند و در ادامه توان آن‌ها برای مقابله با اسرائیل تضعیف شود و پشتوانه مردمی را از دست بدهند.

پروژه همچنان ایجاد شکاف میان مردم و مسئولان

صهیونیست‌ها همین پروژه را مشخصاً در مورد ایران نیز کلید زده‌اند. ایجاد شکاف میان مردم و نظام حکمرانی البته در پاییز ۱۴۰۱ با جنگ هیبریدی صهیونیست‌ها شروع شد. حالا اما شرایط متفاوت است، در حالی که تنش‌ها میان صهیونیست‌ها و ایران به بالاترین سطح خود رسیده است، صهیونیست‌ها تلاش می‌کنند تا فضای روانی جامعه ایرانی را در دست بگیرند و با شکاف انداختن میان مردم و نظام حکمرانی،

سیده‌آزاده امامی

خبرنگار

رهبر معظم انقلاب صبح یکشنبه در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای امنیت با اشاره به تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک کشورمان فرمودند: «شرارت صهیونیست‌ها نه بزرگ‌نمایی‌شود و نه کوچک‌انگاری.»

ایشان درخصوص واکنش جمهوری اسلامی به این اقدام تجاوزکارانه نیز تأکید کردند؛ «باید خطای محاسباتی رژیم صهیونیستی به هم بخورد. اینها دچار خطای محاسباتی‌اند نسبت به ایران. اینها ایران را نمی‌شناسند، چون ایران را نمی‌شناسند، ملت ایران را نمی‌شناسند، قدرت و توانایی و ابتکار و اراده ملت ایران را هنوز درست نتوانسته‌اند بفهمند؛ این را ما باید به اینها بفهمانیم.»

رهبر انقلاب تشخیص کم و کیف این امر را متوجه مسئولین دانسته و تصریح کردند: «کیفیت کار را مسئولان ما باید تشخیص بدهند و درست بفهمند آنچه که صلاح این کشور و این ملت است آن را انجام بدهند.» پرواضح است که در مواجهه با چنین موقعیت‌هایی تشخیص سیاست‌ها و نوع اقدام نظام تنها در اختیار و صلاحیت مسئولان طراز اول و کارگزاران بلندپایه نظام بوده است، اما آنچه از فضای این کلام رهبری برمی‌آید این است که مقصد از «مسئولان» مشخصاً افرادی غیر از خود ایشان است که در این بزنگاه تاریخی مسئولیت مهم اتخاذ تصمیم صحیح به منظور تحقق بهترین اقدام ممکن معطوف به آنهاست.

از صبح شنبه که تحلیل‌ها پیرامون تجاوز صهیونیست‌ها و چند و چون پاسخ جمهوری اسلامی به آن مطرح شده است، مطابق معمول این سال‌ها

انعطاف به خرج داده شده، بر گستاخی و گردن‌فرازی صهیونیست‌ها افزوده شده و در نتیجه آنها دست به اقدام بزرگ‌تری زده‌اند.

حالا آن دسته از کارگزاران کشور که از جانب رهبری مسئولیت «تشخیص کیفیت» پاسخ به تجاوزگری رژیم صهیونی متوجه ایشان است بایستی با لحاظ دو تحلیل مذکور تصمیم بگیرند که در این برهه حساس کنونی که انصافاً از هر برهه حساسی در تاریخ ۲۵ سال گذشته انقلاب حساس‌تر است، چه رویکردی مقابل اقدام گستاخانه دشمن در پیش گیرند که تااین‌کننده بیشترین منفعت و مصلحت و هم‌زمان دفع‌کننده بیشترین تهدید از سر کشور و ملت و محور مقاومت باشد.

واضح است که علی‌رغم واگذاری «تشخیص کیفیت» مواجهه با رژیم به مسئولان، آنها مخیر به اتخاذ «هر تصمیمی» نیز نیستند و امکان انتخاب دوگانه‌های متضاد و متعارض «اقدام» و «عدم اقدام» به نحو هم‌زمان و هم‌عرض مقابل آنها گشوده نیست و شرایط فعلی پاسخی خاص می‌طلبد.

ضمن آنکه تحقق آنچه رهبری با عنوان «برهم‌زدن خطای محاسباتی دشمن» و «فهماندن قدرت و توانایی و ابتکار و اراده ملت ایران» مطرح کرده و بر آن تأکید دارند- که به‌مثابه یک راهبرد راهگشا فراروی مسئولان برای اتخاذ تصمیم حیاتی در این مقطع تعیین‌کننده است- مسلماً اقتضای کنش و اقدامی خاص دارد، چه اینکه «برهم‌زدن خطای محاسباتی دشمن» و «فهماندن قدرت و توانایی و ابتکار و اراده ملت ایران» از هر کنشی برزنی‌آید!

حالا باید منتظر ماند و دید مسئولانی که مورد خطاب رهبری واقع شده‌اند با دست‌فرمان تحلیل اول، رویکردی را که پس از ترور اسماعیل‌هنیه در

^[1] روز قیامت

^[2] روز قیامت